

مناظر زیبای بهشت

گردآورنده:
عبدالرحمن سلیمی

عنوان کتاب:	مناظر زیبایی بهشت
تالیف:	عبدالرحمن سلیمی
موضوع:	معاد (حیات بعد از مرگ و قیامت)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	خرداد (جوزا) ۱۳۹۵ شمسی، شعبان ۱۴۳۷ هجری
منبع:	سایت عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۸.....	قصه زندگی یا احکام.....
۹.....	بهشت.....
۹.....	لذات معنوی.....
۱۰.....	احترام مخصوص.....
۱۲.....	کمال مادی اهل بهشت.....
۱۳.....	همسران بهشتی.....
۱۸.....	ساختمان بهشت.....
۲۰.....	لباس‌های اهل بهشت.....
۲۲.....	زمین بهشت.....

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه در پی می‌آید، حقایقی است که بر من گذشته و به آن‌ها ایمان دارم ممکن است با خلق و خوی بسیاری از مردم هم سازگار نباشد، و عده‌ای به این عقاید ریشخند بزنند. اما آن قدر می‌دانم که، هرچه اشتباه کرده باشم، در این مورد که همه انسان‌ها روزی این کره خاکی را وداع خواهند نمود، هرگز دچار اشتباه نشده‌ام.

در خلوت خودم، در دل شب‌هایی که تمام آن‌هایی که روزشان را در چارچوب یک زندگی زمینی - بدون اتصال به حیات ابدی - شکل داده‌اند و رؤیاهای شیرین فردایشان را نظاره می‌کنند در این میان سکوتی که همه اطرافم را فرا می‌گیرد، با خودم می‌اندیشم که من این جایی نیستم تو هم این جایی نیستی! اصلاً هر کس جاودانگی و ابدیت را قبول دارد، این جایی نیست!...

اما کجایی هستیم؟ و به کجا خواهیم رفت؟ چه سرنوشتی در انتظارمان است؟ چه ره توشه‌ای برگیریم که واقعاً ره توشه باشد؟

نه وبال و سر بارمان؟

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟

به کجا می‌روم آخر نمائی وطنم؟

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک.

دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم.

ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست.

به هوای سر کویس پر و بالی بزنم.

اگر حرف‌های حقیر را قبول نداری و می‌خواهی با تجاهلی عارفانه از کنارشان بگذری، اشکالی ندارد. اما قبل از آن یک نگاهی به صفحه متوفیات یکی از جراید کشور

بینداز. ببین جلوی اسم کدام یک نوشته که: قبلاً اخطار دادیم توجه نکرد، مجبور شدیم در سنین جوانی ببریمش، خوب حالا چی؟

حالا هم می‌گویی نوبت من بعد از همه است؟ یا این که حالا دیگر قانع شدی که بالاخره روزی هم نوبت ما خواهد رسید؟!

راستی اگر مرگ صغی و نوبتی بود، می‌شد آدمی سرکی بکشد و بعد از این که خاطرش جمع شد که حالا حالاها نوبتش نمی‌رسد، با خاطری آسوده به امورات دنیویش بپردازد، اما افسوس که در این قسمت عمر، خداوند گلوگاهی گذاشته تا مخلوقاتش در هر حال و شرایطی که هستند «مرگ» را به خود نزدیک ببینند.

شما در حال حاضر مشغول مطالعه این بخش هستید. چون برای سرعت حرکت و فکر و اندیشه آدمی، حد و اندازه‌ای وجود ندارد، همین الان در ذهن تان یک مرور کلی از بدو تولد تاکنون بنمایید. ببینید در بین فامیل و بستگان و دوستان و آشنایان و همشهریان تان، چند نفر دارفانی را وداع گفته‌اند و به عالم باقی پیوسته‌اند؟

اگر باور داری که این جایی نیستی کافی است، چرا که همین قدر که باور کنی «اینجایی» نیستی، واقعاً بستر و استعداد این را داری که بدانی به کجا خواهی رفت؟ و «کجایی» هستی!

وقتی قبول کردی و یقین حاصل نمودی که تو هم عضوی از این کاروان هستی که میان هر دو عدم قرار گرفته‌اند و هر زمان تعدادی به این کاروان می‌پیوندند و کثیری از آن‌ها می‌مانند.

خوب اگر چاووشی مرگ ندا در داد که؛ «بیا ره توشه برداریم و قدم در راه بی‌بازگشت بگذاریم» من چه باید برای ره توشه‌ام مهیا کنم؟

خوب، حال اگر این پرسش در ذهنت جای گرفته و خواستی به دنبال پاسخش باشی؟ پاسخ آن بسیار ساده است.

کاری ندارد. از همین فردا تصمیم بگیر و روی تصمیمت برای تصاحب جهانی سراسر شادی و نشاط و فرح مقاومت کن. خیلی هم سخت نیست. از همین فردا با خودت این واقعیت را همواره تکرار کن که؛ همه اعمال و کردار و نیات و افکار ما، انعکاس و نتیجه‌ای در خور شأن آن عمل و کردار و پندار دارند و در حد بضاعت سعی کن ره توشه اخروی‌ات را فراهم آوری اگر می‌خواهی الماس جمع‌آوری نمایی، [یا الله]. از فردا شروع کن. آدرس را من می‌دهم، تو که باور کرده‌ای «اینجایی» نیستی، پس برای آنجایی که تو را ساخته‌اند الماس جمع کن. فقط یک شرط جزئی و آسان دارد و آن این که آستین بالا بزنی و باور کنی که کارهایی که می‌کنی همه برای تقرب به خدایی است که پاداش‌دهنده اصلی است.

از همین فردا، به روی بچه‌های کوچک و حتی بزرگت لبخند بیشتری بزن. نور عشق و ایمان را در دل‌هایشان منور کن. با همسرت خوش‌خلق‌تر برخورد کن. اگر در مسیر حرکت پیاده‌ای را می‌بینی سوار کن. از او مطالبه پول نکن و به خودت بگو این سوار شدن باشد برای آخرتم. اگر می‌توانی خود را جای آدم‌های ندار و بی‌بضاعت بگذار و مقداری از آنچه داری به آن‌ها بده.

اگر امکانش برایت وجود دارد درختی غرس کن، نهالی بنشان و حیوانی را سیر کن. از فردا به روی مردم با تبسم نگاه کن. از کنار مشکلات مردم بی‌تفاوت نگذر و خودت را به جای آن‌ها بگذار و ...

پس «بیا ره توشه برداریم و قدم در راه بی‌بازگشت بگذاریم». حقیقتش این است که به قول بزرگی «انسان را عمر دوباره باید، یکی را تجربه آموختن و دیگری برای استفاده از آن تجربیات».

حال که چنین نیست، هر انسانی بیش از یک بار امکان بهره‌مندی از زندگی را ندارد. پس بهترین و معقول‌ترین راه آن است که از مجموعه تجربیات کسانی که در زمین مرتبط

با عالم ارواحند و یا ارواحی که با زمینیان در ارتباطاند و نیز کسانی که توانسته‌اند از قید حصار تن اندکی رهایی یابند استفاده نماییم.^۱

قصه زندگی یا احکام

در آخرت جایی را پروردگار خلق فرموده، و ذخیره برای کسانی که با ایمان و تقوا از این جا بروند، قرار داده است، در این مکان انواع پذیرایی‌ها و اقسام نعمت‌ها که در حد وسعت و بزرگی آن عالم است تدارک فرموده، به طوری که دانستن حقیقت و تفصیل آن برای اهل این عالم محال است، بعین مانند بچه‌ای که در رحم است از بزرگی، اوضاع و گزارشات دنیا بی‌خبر است و لذا در قرآن خداوند مجمل می‌فرماید:

﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۷].

«هیچ‌کس نداند نعمت‌های بزرگی که چشم آن‌ها را روشن می‌کند و برای آن‌ها ذخیره شده در برابر کردارهای نیک آن‌ها».

مژدگانی فرح بخش، دنواز و روح‌نواز قرآن در دادن وعده بهشت جنان برای مؤمنان، پی‌درپی و به تکرار آمده است، البته این نعمت مستدام الهی مخصوص مؤمنان است که اعمال صالحه و نیکو انجام می‌دهند، پس ایمان به تنهایی کافی نیست. پس ناگزیر باید اطاعت و عمل صالح با آن همراه بود. هم‌چنین نعمت‌های بهشت و روزی‌ها و خوشگواری‌های آن حد و مرزی ندارد.

خداوند با آیات کلامش خواسته است، تا تصویری از این نعمت‌ها را به ساحه عقل‌ها و اذهان ما نزدیک گرداند. وگرنه هدف از این آیات تعیین حد و مرزی برای این نعمت‌ها نیست و از آنجایی که بشر عادتاً به مادیات دلبستگی دارد. خداوند جل جلاله، از آن‌ها چنین یاد می‌کند:

﴿وَفِيهَا مَا كَتَبْتَهُهُ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [الزخرف: ۷۱].

۱- آدم از بهشت تا بهشت، رضا خوش‌دل

«و هر چه دل بخواهد و هر آنچه که چشم از آن‌ها لذت ببرد، در بهشت وجود دارد و شما در آن جاودانه خواهید بود».

آری! انسان در عالم آخرت نیز همچنان انسان باقی مانده، و تبدیل به ملک نمی‌شود. بلکه حتی لذت‌جوئی‌های انسان در آخرت، کامل‌تر و قوی‌تر از التذاذهای او در دنیا است. بنابراین، بهشت از هر جهت آماده پذیرایی و اشباع تمایلات فطری بشری اوست.^۱

بهشت

بهشت ترجمه فارسی جنت^۲ است، جنت لفظ مشتق از فعل جن به معنای پوشیده و مستتر است، و هر لفظی که از این ماده (ج ن) اشتقاق شده باشد معنای استتار و پوشندگی را می‌دهد. مثلاً می‌گویند: «جن علیه الیل» یعنی شب او را پوشاند، و جن را به خاطر پوشیده بودن آن جن گویند و مجنون را به آدمی اطلاق می‌شود که عقلش پوشیده شده و تحرک صحیح ندارد. و وصف جنت بر مکانی که مؤمنین داخل می‌شوند گفته می‌شود تا پاداش مؤمنین در روز قیامت باشد، به خاطر این‌که در آن‌جا درختان زیادی وجود دارد کسانی که در آن قرار دارند از چشم‌ها پوشیده می‌مانند و از آفات و بلاها محفوظ هستند به آن جنت گرفته‌اند.

لذات معنوی

با توجه به این‌که روح به مراتب، اعلاء و اشرف از جسم است نباید تردید داشت که نعمت‌های روحانی و معنوی بهشت به مراتب از نعمت‌های مادی و جسمانی، برتر و والاتر و باشکوه‌تر است. ولی از آنجایی که این مواهب و نعمت‌ها معمولاً در وصف

۱- نقل از انوار القرآن.

۲- الجنة والنار، دکتر زکریا عبدالرزاق المصری.

نمی‌گنجد و دیدنی است (دیدن با چشم دل) نه گفتنی و شنیدنی، لذا در آیات قرآن غالباً، اشارات سربسته‌ای به این بخش از نعمت‌های بهشتی می‌بینیم. جز در مواردی که قابل شرح و بیان بوده، که در آنجا قرآن به شرح و بیان آن پرداخته است.

به تعبیر دیگر: لذت درک معرفت الله و جذبه‌های جلال و جمال او و انوار الطاف خفیه پروردگار و مستی از جام عشق ذات مقدس او، آن‌چنان است که یک لحظه از آن، از تمام نعمت‌های مادی جهان برتر است.

چون در بهشت عوامل غفلت و بی‌خبری از خداوند، و گرفتاری‌هایی که حضور قلب را برهم می‌زد، وجود ندارد و حجاب‌ها و موانع معرفت از مقابل دیدگان دل کنار رفته، درک و دید انسان به مراتب قوی‌تر می‌گردد، و از وسوسه‌های شیطانی که همیشه مزاحم رهروان این راه است، مطلقاً خبری نیست.

آن گاه می‌توان تصور کرد که در آنجا چه خبر است؟ چه غوغایی از نعمت‌های معنوی برپاست؟ و چه جذبه‌های نیرومندی روح را به جوار قرب حق می‌کشد، او را در انوار ذاتش مستغرق می‌سازد و از خویشتن خویش غافل می‌کند و کارش به جایی می‌رسد که جز او نمی‌بیند، و از او نمی‌خواهد و هرچه دلش می‌خواهد همان می‌بیند، و هرچه ببیند دلش همان را می‌خواهد. با توجه به این اشارات کوتاه به قرآن باز می‌گردیم و شرح این مواهب را از لسان قرآن می‌شنویم.

احترام مخصوص

احترامات ویژه بهشتیان از همان آغاز ورود به بهشت شروع می‌شود و خازنان بهشت نخستین تبریک پرمعنا را به آن‌ها می‌گویند، چنانچه قرآن می‌فرماید:

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ

حَزَنَتْهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿۷۳﴾ [الزمر: ۷۳].

«و روان کرده شوند آنانکه ترسیدند از پروردگار خویش بسوی بهشت گروه گروه، تا وقتیکه بیایند نزدیک بهشت و باز کرده شود دروازه های آن و گویند به ایشان نگهبانان بهشت: سلام بر شما باد خوشحال باشید بس درآئید به بهشت جاویدان».

از این تعبیر استفاده می شود که خازنان بهشت مشتاقانه بر درهای بهشت انتظار پرهیزگاران را می کشند، درهای بهشت را قبلاً برای آن‌ها گشوده اند، و به محض این که به بهشت می رسند، با تحیات و احترامات به استقبال آن‌ها می شتابند و با تعبیراتی چنین زیبا آن‌ها را به بهشت و زندگی جاویدان در آن فرا می خوانند.

آری، چنین است راه و رسم پذیرایی از یک مهمان عزیز، نخست در را می گشاید و میزبان دم در انتظار می کشد و به محض ورود خیر مقدم می گوید. این یکی از لذات باارزش معنوی است.

در مرحله بعد که در بهشت وارد شدند ملائکه مقرب الهی مأمورند که از هر در بر آن‌ها وارد شوند و به آن‌ها خوش آمد و تبریک گویند.

﴿وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ﴾ [الرعد: ۲۳].

فرشتگان الهی از هر دری بر آنان وارد می شوند و به آن‌ها تبریک می گویند: سلام بر شما به خاطر صبر و استقامت‌تان و چه عاقبت خوبی بعد از دنیا نصیب‌تان شد.

از آیه فوق به خوبی استفاده می گردد که گروه‌هایی از فرشتگان از هر دری به سوی آن‌ها می آیند، و با توجه به این که درهای بهشت هر کدام نشانه یکی از اعمال صالحند «باب الصلاة، باب الجهاد، باب الحج» معلوم می شود که هر گروهی از این فرشتگان به خاطر یکی از اعمال صالح به سراغ آنان می آیند و جالب این که تمام این اعمال در معنی «صبر» خلاصه می شود، صبر با تمام شاخه‌هایش، صبر بر طاعت، صبر بر معصیت.

و از این مهم تر «سلام» و درودی است که خداوند بر بهشتیان می فرستد، سلامی که آکنده از محبت و مملو از لطف و رحمت است. چنانچه در آیه ۵۱ یس می فرماید:

﴿سَلِّمْ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ﴾ [یس: ۵۸].

«گفته شود: سلام باد از جانب پروردگار مهربان».

این سلام و درود الهی، این ندای روح پرور و نشاط آفرین مملو از لطف و احسان، چنان روح بهشتیان را مجذوب می‌کند و غرق نشاط می‌سازد که با هیچ نعمتی برابر نیست.

آری! یک لحظه شنیدن ندای محبوب که از لطف و عنایتش برخاسته، بر تمام دنیا و آنچه در آن است برتری دارد.

پیام دوست شنیدن سعادت است و سلامت فدای خاک در دوست باد جان گرامی
یا به گفته شاعر دیگر:

سلامت دل خسته در سلام تو باشد زهی سعادت اگر دولت سلام تو یابم
جذبه، لقای محبوب و دیدار لطف یار و سلامی که نشانه رفع حجاب است، آن قدر لذت بخش و شوق انگیز و روح پرور است که اگر عاشقان او از این افاضه معنوی دور بمانند، قالب تهی می‌کنند.^۱

کمال مادی اهل بهشت

نعمت‌های مادی و جسمانی بهشت بسیار متنوع، گسترده، جالب و دل‌انگیز است. و خداوند روی آن بسیار تکیه کرده است تا از این طریق توجه انسان‌ها را به اعمال و صفات و فضائل که سرچشمه این مواهب است، جلب کند. چون نوع بشر بیش از آنچه به نعمت‌های روحانی می‌اندیشد توجه به مواهب جسمانی نیز دارد. ما در این قسمت به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

همسران بهشتی

از مهم‌ترین اسباب آرامش خیال و انس و نشاط زندگی، داشتن همسری مناسب و از هر نظر صاحب کمالات است. وجود چنین همسری در زندگی انسان، خواه نسبت به مرد باشد یا زن، می‌تواند تحمل همه مشکلات را بر او آسان سازد، و به زندگی او نشاط و شادابی و شیرینی و سرور بخشد.

بی‌جهت نیست که قرآن کریم ضمن بیان نعمت‌های مختلف بهشت، در آیات مختلف روی این مسئله تأکید کرده و درباره آن تعبیرات جالب و حساب شده‌ای دارد. در چندین آیه از قرآن مجید از زنان بهشتی به حورالعین تعبیر کرده است.

حور، واژه جمع «حوراء» است، اما در فارسی معمولاً به صورت مفرد به کار رفته است، و از کلمات حوران و یا حوریان برای جمع آن استفاده می‌گردد.

حور به معنای، زن سیاه‌چشم، زیبا و نیکو که دارای جسم لطیفی است، که حدقه چشمش مانند حدقه چشم آهو بزرگ است.

این موجودات که در بهشت همدم و یار و انیس مؤمنان و زاهدان خواهند بود، در قرآن کریم چهاربار، در سوره «الرحمن» در آیه ۷۲ یک بار، و سه مرتبه دیگر تحت عنوان حور عین در «دخان» آیه ۵۴، «طور آیه ۲۰ و «واقعه» آیه ۲۲، نام آورده شده است.

حور یا حوراء در زبان فارسی، چه نظم و چه نثر، به صورت نمادی از زیبایی و ملاحظت و قشنگی درآمده است.

فردا که روضه رضوان به ما دهند غلمان ز روضه، حور زجنت به در کشیم
(حافظ)

آنچه در خور اهمیت است، این که از حور بنا به تعریف و توضیحاتی که از آن‌ها در قرآن آمده است و نیز برداشت و نحوه استفاده از کلمه حور در نظم و نثر فارسی، چنین استنباط می‌گردد که آنان موجوداتی مستقل و عینی هستند، که به منظوری خاص توسط

خالق یکتا خلق شده‌اند و در محلی به خصوص، حیات دارند و به انجام وظایف محوله که از سوی خداوند به آن‌ها محول می‌گردد، مشغولند.

این مخلوقات الهی هرگز خیالی نیستند و برخلاف نظر عده‌ای که معتقدند این توصیفات را خداوند به استعاره و کنایه آورده تا به دلیل هماهنگی و کشش غریزی در انسان، برای به دست آوردن و تصاحب آن حوران بهشتی انسان‌های زمینی از گناه پرهیز کنند.

در قرآن کریم بعضی از اوصاف حورالعین آمده که دلالت بر زیبایی جمال و اخلاق و نظافت و بلندی منزلت و شرف آن‌ها دارد.

اندر آن باشد زنان خوش کلام حور مقصورات گفت او فی الخیام
یعنی اندر پرده‌ها پوشیده‌اند در حفاظ و ستر خود کوشیده‌اند
زنان سیاه چشم و زیبا خصال چنان در مکنونی به حسن و جمال
به درستی خداوند آن‌ها را در بهترین حسن و جمال و اعلی‌ترین شأن و شوکت و
مکانت قرار داده و به آن‌ها بهترین اخلاق را بخشیده و آن‌ها را از نجاست و خبثت و
آلودگی‌های ظاهری و باطنی پاک کرده است.

خداوند مثال آن‌ها را بیان می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَحُورٌ عِينٌ ﴿۲۲﴾ كَأَمْثَلِ اللَّوْلِيِّ الْمَكْنُونِ ﴿۲۳﴾﴾ [الواقعة: ۲۲ - ۲۳].

رسول اکرم ﷺ در تفسیر این آیه کریمه می‌فرماید:

«صفاء في صفاء الدر الذي في الصدف لم تمسه الأيدي».

«درخشندگی و پاکی آن‌ها مثل درخشندگی در و مروارید است که در صدف باشد که دست کسی به او نرسیده است».

خداوند در تعبیری دیگر چنین حور بهشتی را وصف می‌کند:

﴿عُرْبًا أَثْرَابًا ﴿۳۷﴾﴾ [الواقعة: ۳۷].

«(زنان بهشتی) شیفتگان (همسران خود و جوان) و هم‌سن و سال هستند».

﴿حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْحِيَامِ﴾ [الرحمن: ۷۲].

﴿فِيهِنَّ قَلْصِرَاتُ الْطَّرْفِ﴾ [الرحمن: ۵۶].

﴿كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾ [الرحمن: ۵۸].

«آن حوران بهشتی که در خیمه‌ها به سر می‌برند و منتظر شوهران خود هستند (و به قدری زیبا و خوش قیافه هستند) که انگار یاقوت و مرجانند».

گفته شده است که از لحاظ صفا و پاکی هم‌چون یاقوتند، و بسا هست که از آیه معنی دیگری دستگیر ما شود. پس به همان‌گونه که یاقوت هم‌چون هر سنگ دیگر نیست که به آسانی در دسترس هر کس قرار گیرد، برای دست یافتن به آن تلاش و کوشش فراوان لازم است، و نیز، بدان سبب که دست هر کس به مرجان نمی‌رسد و برای یافتن آن باید تحمل مشقت کند و در ژرفای دریا غوطه‌ور شود که در اختیار همه‌کس قرار ندارد و آن بهاء، عمل صالح و توشه تقواست.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطَّلَعَتْ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لِأَضَاءَتِ مَا بَيْنَهُمَا وَلَمَلَأَتْهُ رِيحًا، وَلَنَصِيفُهَا عَلَى رَأْسِهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»^۱.

اگر زنی از زنان بهشت به زمین سر می‌کشید، ما بین آن‌ها (مشرق و مغرب) را از بوی خوشش پر می‌کرد، و میان آن دو را منور و نورانی می‌نمود و ارزش روسری که بر سرش می‌باشد، از دنیا و آنچه در آن است، بیشتر است.

زنانی که در خوبی و جمال خدا آفرید به حد کمال بهترین صحبت، صحبت صادق المصدق ﷺ در مورد خلق حورالعین و اخلاق زیبای آن‌ها است.

قال رسول الله ﷺ: «خلق الله الحور العين من ثلاث أشياء، أسفلهن من المسك وأوسطهن من العنبر وأعلاهن من الكافور وحواجبهن سواد خط نور»^۱.

خداوند حور عین را از سه چیز خلق کرد که قسمت پایین آن مشک، وسط آن از عنبر و بالای آن کافور و ابروهای آن‌ها بسیار سیاه است.

حضرت عبدالله بن مسعود از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: هرآینه زن اهل بهشت را سفیدی و مغز پایش از زیر هفت لباس ابریشمی دیده می‌شود. به این دلیل است که خداوند می‌فرماید:

﴿كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾ [الرحمن: ۵۸]. «و به قدری زیبا و خوش‌قیافه هستند) که انگار یاقوت و مرجانند».

هر آینه یاقوت سنگی است که اگر نخ‌ی داخل آن کنی از پشتش آن نخ داخل را می‌بینی.^۲

آری، ای مسلمان! که شیفته شهوات و آرزوهای دنیایی شده‌ای، خداوند به خاطر حفظ از گناه و معصیت، نعمت‌هایی آماده کرده که هرگز نمی‌توانی تصور آن را بکنی. بنگر به یک نعمت از هزاران نعمت خداوند که زنان بهشتی هستند، زنانی که عاشق و دل‌باخته شوهران خودند، زنانی که به تمام معنا، شوهر خود را دوست دارند. این است عطای خداوندی که شمارش نمی‌شود.

چه بسا انسان‌هایی که در دنیا در جستجوی یک زن حرکت می‌کنند و به آن نمی‌رسند، اما خداوند حورانی را برایت آماده کرده که قابل وصف نیست. دیوانه است کسی که دنبال خواهشات رود و میلیاردها و میلیاردها و ... سال را در مقابل ۷۰ یا ۸۰ سال زندگی بفروشد.

۱- أخرجه الترمذی.

۲- پیام قرآن.

بله، علاقه بین مرد مؤمن و همسرش از حورالعین، علاقه شهوانی نیست، بلکه علاقه‌ای به تمام معنی و مفهوم کامل، علاقه‌ای که آخرین مرتبه عشق و محبت است که خداوند تنها آن‌ها را برای عشق و محبت نسبت به مؤمن خلق کرده است. خداوند طوری آن‌ها را خلق کرده، که تنها به همسر خود می‌اندیشند، او هرگز چشم از همسر خود بر نمی‌دارد و برای او همسرش از تمام بهشتیان زیباتر است.

قاصرات الطرف یعنی آن زنان نزدشان کوتاه چشم از دیگران عشق نمی‌ورزند جز با شوهران جاویدان باشند اندر بهشت با همسران و در آن‌ها حسد و کینه نیست، اگر تمام اهل جنت جمع شوند او جز به شوهرش به کس دیگری نگاه نمی‌کند.

در روایتی آمده که حوران با صدای زیبا که خلایق مثل آن نشنیده‌اند، می‌گویند: ما همیشه هستیم، ما همیشه خوشنودیم و خشمگین نمی‌شویم، خوشا به حال کسی که برای ماست و ما برای او هستیم.

حضرت علی علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می‌کند، که آن حضرت فرمودند: در بهشت مجلسی برای حوران بهشتی برپاست که با صدای دلکش و طنین‌انداز خود آواز می‌خوانند که خلایق تا آن روز به خوبی آن نشنیده‌اند، به آن‌ها می‌گویند: ما برای همیشه زنده می‌مانیم و هرگز ناراحت نمی‌شویم ما همیشه راضی و خوشنودیم و هرگز ناراضی نمی‌شویم، خوش به حال کسی که او برای ما و ما برای او باشیم.^۱

أَوْ مَا سَمِعْتَ سَمَاعَهُمْ فِيهَا غَنَاءَ الْحُورِ بِالْأَصْوَاتِ وَالْأَلْحَانِ
 وَاهًا لِذِيَاكَ السَّمْعِ فَكَمْ بِهِ لِقَلْبٍ مِنْ طَرَبٍ وَمِنْ أَشْجَانِ
 وَاهًا لِذِيَاكَ السَّمْعِ وَطَيِّبِهِ مِنْ مِثْلِ أَقْمَارِ عَلَى الْأَعْضَانِ^۲

۱- رواه الترمذی / ۲۵۶۴.

۲- نقل از وصف جنت.

ترجمه: آیا موسیقی آنان را به صورت و لحن و آواز و ترنم حوران بهشتی نشنیده‌ای؟ افسوس بر آن ترنم و موسیقی که چقدر قلب‌ها را به وجد آورده و جریحه‌دار نموده است!

بله، برادر و خواهر مسلمان!

وحتام لا تصحوا وقد قرب المدى ودانت كؤس السير والناس نوم عزیزم! تا چه وقت از خواب غفلت بیدار نمی‌شوی؟ وقت رفتن و کویدن طبل سفر فرا رسید و مردم هنوز در خوابند.

آری! خداوند مؤمنین را وارث بهشت گردانید از قصرها، خیمه‌ها، خانه‌ها و فرش‌ها گرفته تا غلامان حوران برای کسانی است که اعمال صالح انجام می‌دهند و خیر و صدق و عبادت خالصه برای خود پیش بفرستند.

ساختمان بهشت

بنا و ساخت و ساز دنیا، مرکب از یک سری مصالح مثل آهن، آجر، شن، سیمان و ... است. اگر کسی دارای بهترین بنا و ویلای زیبایی باشد و بهترین منازل دنیا را داشته باشد، در مقابل بنا و منازل بهشت اصلاً قابل تصور نیست، قصرها و کاخ‌هایی که از لؤلؤ، طلا، نقره و مسک ساخته شده‌اند که در نهایت زیبایی و جمال هستند.

خداوند این منازل زیبا را برای کسانی آماده کرده که زمینه ورود به بهشت را در این دنیا فراهم آورده باشند، و با کوله‌باری پر از ایمان و عمل صالح به دربار باری تعالی حاضر شوند. خداوند می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ [العنكبوت: ۵۸].

«کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده باشند ایشان را در باغ‌های عظیم بهشت جای می‌دهیم و در کاخ‌هایی که در زیر آن‌ها رودها روان است، جاودانه به سر

می‌برند و پاداش کسانی که برای خداوند کار می‌کنند چه خوب است».

در این آیه اشاره به این شده که غرفه‌هایی برای اهل بهشت می‌دهیم ولی اشاره به چند طبقه بودن آن‌ها نشده. خداوند در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿۲۰﴾﴾ [الزمر: ۲۰].

«لیکن آنان که ترسیدند از پروردگار خود ایشان راست قصرهایی بلند، بالای آن قصرها، قصرهای دیگر ساخته شده که از زیر آن‌ها جویها می‌گذرد، وعده کرده است خدا، و خداوند وعده را خلاف نمی‌کند».

بله، اهل بهشت قصرهای یک طبقه و چند طبقه و قصرهایی که در بهترین محل و سرسبزترین مکان است آماده شده، که از آن‌ها لذت می‌برند، پس تو ای مسلمان! هرگز فریب قصرها و منازل زیبای دنیا را نخور، که خداوند برایت قصرهایی بهتر آماده کرده است.

قصرهایی که رسول اکرم ﷺ در مورد آن‌ها می‌فرمایند:

یک خشت از طلا و خشتی دیگر از نقره و ملاط آن از مشک است^۱.

و در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

«إن للمؤمن في الجنة خيمة من لؤلؤة واحدة محوفة طولها في السماء ستون ميلاً، للمؤمن

فيها أهلون، يطوف عليهم المؤمن فلا يري بعضهم بعضاً»^۲.

«به راستی که برای مؤمنان در بهشت چادرهایی است که جنس آن‌ها از مروارید تو

خالی است، طول آن‌ها به طرف آسمان، شصت میل می‌باشد، این چادرهای بزرگ

۱- رواه احمد واللفظ له والترمذی والبزار والطبرانی فی الأوسط وابن حبان فی صحیحہ، انظر: الترغیب

ج ۴، ص ۵۱۲، الجنة والنار، ص ۴۳.

۲- صحیح بخاری، ۴۷۹/۸، مسلم ۲۸۳۸.

مخصوص مؤمنین و اهل خانه او می‌باشد که به راحتی در آن رفت و آمد می‌کنند، ولی بعضی از آن‌ها یکدیگر را نمی‌بینند.

پیامبر ﷺ در حدیثی دیگر منازل بهشت را چنین زیبا به تصویر می‌کشد:

عن رسول الله ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَغُرَفًا يَرَى ظُهُورَهَا مِنْ بَطُونِهَا وَبَطُونِهَا مِنْ ظُهُورِهَا»، فقام أعرابي، فقال: يا رسول الله لمن هي؟ قال: «لِمَنْ طَيَّبَ الْكَلَامَ وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ وَأَدَامَ الصِّيَامَ وَصَلَّى بِاللَّيْلِ وَالنَّاسَ نِيَامًا»^۱.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: در بهشت بالاخانه‌هایی وجود دارد که بیرون‌شان از درون‌شان و درون‌شان از بیرون‌شان نمایان است، یک اعرابی بلند شد و سؤال کرد: ای رسول خدا! این‌ها برای چه کسانی هستند؟ آن حضرت جواب داد، کسی که سخن نیکو گوید و به دیگران طعام بدهد و در شب نماز بخواند در حالی که مردم خوابیده‌اند.

لباس‌های اهل بهشت

در زندگی دنیا «لباس» نقش مهمی دارد و در تمام طول تاریخ لباس نقش اصلی را در زینت آدمی داشته و هم‌اکنون نیز به قوت خود باقی است. بنابراین، پوشش لباس در آن‌جا جنبه تزئین دارد و شاید به همین دلیل در آیات قرآن روی جنبه تزئینی لباس‌ها تأکید شده است و با تعبیر مختلفی که همه حکایت از زیبایی و جذابیت لباس‌های بهشتی دارد از آن‌ها یاد گردیده است.

لباس اهل بهشت دارای رنگ‌های بسیار زیبا و دلنشین و قشنگ است که با گذشت زمان کهنه نمی‌شود و با زیاد استفاده کردن کثیف نمی‌شود که از ابریشم کلفت نازک است که وقتی آن‌ها را می‌پوشد زیباتر و قشنگ‌تر می‌شود.

خداوند در یک تعبیر می‌فرماید:

﴿وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ﴾ [الكهف: ۳۱].

«آن‌ها فاخر و زیبا به رنگ سبز از حریر نازک و ضخیم در بردارند».

نظیر همین تعبیر با تفاوت مختصری در سوره دخان آیه ۵۳ دیده می‌شود:

﴿يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ﴾ [الدخان: ۵۳].

«آنان لباس‌هایی از حریر نازک و ضخیم می‌پوشند و در مقابل یکدیگر می‌نشینند (و

به شادی می‌پردازند)».

جالب این‌که در مورد لباس‌های بهشتی تنها سخن از رنگ سبز است، شاید به همین دلیل که از شادترین رنگ‌هایی است که در عالم طبیعت و آفرینش پیدا می‌شود، گیاهان عموماً سبزند، دریاها و آب‌های متراکم گاه نیلگون و گاه سبز به نظر می‌رسد. به همین دلیل روح انسان آشنایی زیادی با این رنگ دارد و رنگ سبز روح را نوازش می‌دهد، بعضی از دانشمندان رنگ سبز را مسکن و آرام‌بخش می‌دانند.^۱

رسول اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید:

«من یدخل الجنة ینعم فلا یبأس ولا تبلی ثیابه ولا یفنی شبابه».

هرکس داخل بهشت شود در ناز و نعمت خواهد بود و تهی‌دست و بی‌چیز نخواهد شد و جاوید خواهد بود و هرگز مرگ به سراغش نمی‌آید، و لباسش کثیف و چرکین نمی‌شود و جوانی‌اش از بین نخواهد رفت.

قیمت لباس اهل جنت خیلی زیاد است، حتی قیمت چادر و روسری زن جنتی از دنیا و آن‌چه در دنیا است، بیشتر است.

در حدیثی دیگر به این نکته اشاره شده که وقتی بهشتی وارد بهشت می‌شود، نزد درخت طوبی می‌رود و میوه‌هایی می‌چیند، که در آن‌ها انواع لباس از سفید و ... قرار دارد که هر کدام را بخواد انتخاب می‌کند و از میوه‌های آن هرچه را بخواد، می‌گیرد، پس آن‌ها را باز می‌کند که در آن‌ها انواع لباس‌های رنگارنگ است، که ارزش و قیمت فوق‌العاده زیادی دارند و دارای درخشش و زیبایی خاصی هستند.

زمین بهشت

زمین بهشت از مشک و زعفران است و سنگ‌های آن از در و یاقوت است که می‌درخشند و دارای گل‌ها و میوه‌های بسیار زیبا و دلنشین است که بوی خوش آن‌ها از مسافت‌های بسیار دور به مشام می‌رسد که به اهلش صفا و صمیمیت و سرور می‌بخشد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ این‌گونه زمین بهشت را این‌گونه وصف می‌کند:

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «حسبائها اللؤلؤ والياقوت و ترابها الزعفران. ومن يدخل ينعم ولا يبأس ويخلد لا يموت لا تبلى ثيابه ولا يفنى شبابه»^۱.

حضرت ابوهریره از پیامبر اسلام ﷺ روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: سنگ‌ریزه‌های بهشت از لؤلؤ و یاقوت و خاک آن از زعفران است. کسی داخل آن شود در ناز و نعمت است تهی دست نمی‌گردد و جاوید خواهد بود و مرگ هرگز به سراغش نمی‌آید و لباسش کهنه نمی‌شود و جوانیش از بین نمی‌رود.

پیامبر اکرم ﷺ در تعبیری دیگر چنین می‌فرماید:

«أرض الجنة بيضاء عرصتها صخور الكافور، قد أحاط به المسك مثل كثران الرمل أنهار مطردة فيجتمع فيها أهل الجنة أدناهم وآخرهم فيتعارفون فيبعث الله ريح الرحمة فتھيج عليهم ريح المسك فيرجع الرجل إلى زوجه وقد أزداد حسناً وطيباً فتقول له: لقد خرجت من عندي وأنا بك الآن أشد إعجاباً».

زمین بهشت سفید، میدان‌گاه آن از صخره‌های کافور است، مشک همه جای آن را مانند ذرات ریگ فرا گرفته است و نهرهای عمومی وجود دارد و بهشتیان ادناترین و بالاترین در آن اجتماع می‌کنند و با یکدیگر آشنا می‌شوند، در این هنگام خداوند نسیم رحمت را می‌فرستد تا بوی مشک آن‌ها را خوشبو کند، پس هر شخصی به سوی همسرش برمی‌گردد در حالی که حسن و جمال و خوشبویی او افزایش یافته است. پس

۱- أصله فی مسلم، انظر: شرح النوی، ج ۱۷، ص ۱۷۴، کتاب الجنة و نعيمها، ورواه احمد واللفظ له والترمذی والبزار والطبرانی فی الأوسط و ابن حبان فی صحيحه.

همسرش به او می‌گوید: قبل از رفتن تو من عاشق تو بودم اما الان بیشتر به تو عشق می‌ورزم.

این ترکیب زیبای بهشت، در بهشتیان سرور و خوشحالی زیاد ایجاد می‌کند که اهل آن نظاره‌گر این زیبایی‌ها هستند.

برادر و خواهر مسلمان! برای رسیدن به این مکان باصفا، باید تلاش کرد:

﴿خَتَمُهُ وَمِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ﴾ [المطففين: ۲۶].

برای رسیدن به این نعمت‌های ابدی، باید در این مسابقه از دیگران سبقت گرفت، (و زندگی‌ای برپایه ایمان و عمل صالح داشت).

بی‌رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

﴿وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ [القصص: ۶۰].

«و آنچه نزد خدا است، بهتر و پاینده‌تر است».^۱